

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵

محبوبه اسدیپور

خزاعی، ملایی\*

## بررسی باور موعود گرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام

### چکیده

مقاله حاضر بیانگر موضوع «باور موعود گرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام» می‌باشد که یکی از آموزه‌های مهم حیاتی و نقطه مشترک همه ادیان مسأله «نجات و انتظار منجی» و چگونگی نگرش به فرجام جهان و تاریخ است و در عین اشتراکات دارای نقاط افتراقی می‌باشد.

بنابراین مسأله نجات از دیدگاه یهود؛ یعنی نجات قوم یهود توسط ماشیح از نسل داوود پادشاه در سرزمین صهیون و از دیدگاه مسیحیت نجات از گناه و مرگ ابدی، و از دیدگاه اسلام نجات از تمام آلام روحی و جسمانی عالم پس از مرگ است. در این صورت اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار منجی عقیده‌ای است که در یهود، مسیحیت و مدعیان نبوت عموماً و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلم، مورد قبول واقع شده است و شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پرفراز و نشیب این ادیان موج می‌زند.

**واژگان کلیدی:** یهودیت، مسیحیت، اسلام، موعود گرایی، ماشیح، مسیحا، مهدی،

قرآن کریم، کتاب مقدس عبری، عهد جدید.

## طرح بحث

موعود در لغت به معنای وعده داده و از پیش خبر داده شده است، بنابراین انتظار موعود، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. آرزوی ظهور یک مصلح بزرگ جهانی، در همه مذاهب مشترک بوده و از اصول مسلم اعتقادی این ادیان به شمار می‌رود. این امر، از تعالیم دینی کتب آسمانی، مانند تورات، انجیل و قرآن کریم به حساب می‌آید، که با مطالعه کتابهای آسمانی، به خوبی روشن می‌شود که عقیده به موعود، اختصاص به اسلام ندارد، بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترکند.

باکنار هم قرار دادن اشتراکات اسلام، یهودیت و مسیحیت این نتیجه کلی به دست می‌آید که اندیشه منجی و موعودی که در پایان جهان خواهد آمد، در همه ادیان وجود دارد. اما اینکه «این موعود کیست؟ و چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد؟» از جمله مسائل مورد اختلاف است.

بنابراین هر ملتی او را با لقبی مخصوص می‌شناسد، عیسویان به نام مسیح موعود، یهودیان به نام ماشیح و مسلمانان به نام مهدی موعود می‌شناسند و هر ملتی نیز آن موعود نجات بخش را از خودش می‌داند.

عیسویان او را هم کیش خودشان می‌شمردند، یهودیان او را بنی اسرائیلی و از پیروان موسی می‌شمردند و مسلمانان او را از نسل بنی هاشم و فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌شمارند، که البته اسلام، به طور کامل و مشخص، این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده که در سایر ادیان چنین نیست.

## الف. باور موعودگرایی در یهودیت

### ۱. مفهوم موعود یهود یا ماشیح

واژه «ماشیح» کلمه عبری و معادل واژه فارسی «مسیحا» است. ماشیح به معنای مسح شده یا تدهین شده به روغن مقدس می‌باشد و معرب آن «مسیح» است. این واژه ابتدا لقب پادشاهان قدیم بنی اسرائیل بوده، ولی در زمان‌های بعد به کاهنان بزرگ و حتی به برخی پادشاهان غیر بنی



اسرائیلی نظیر کورش نیز اطلاق شده است؛ زیرا معتقد بودند او را خدا برگزید و مسح کرد تا نقش رهاننده بنی اسرائیل را برعهده گیرد.

در زمان پیامبران بنی اسرائیل، آن‌ها در مراسمی مقداری روغن بر سر پادشاهان می‌ریختند و با دست خود آن‌ها را مسح می‌کردند. بر اثر این کار، آن پادشاه، ماشیح خوانده می‌شد و اطاعت او بر همگان واجب می‌گردید.

آنچه مسلم است این است که واژه ماشیح ابتدا کارکرد موعودی یا منجی گرایی نداشت و صرفاً یک لقب برای پادشاهان بنی اسرائیل بود. ولی بتدریج این واژه از اختصاص شاهان بنی اسرائیل بیرون آمده و در نهایت به یک واژه آرمانی و نجات بخش برای بنی اسرائیل تبدیل شده است.

بر اساس متون مقدس یهود، نخستین بار این واژه به «طالوت» اطلاق شده است. چون بنی اسرائیل در اوج بدبختی و فلاکت به سر می‌بردند و گرفتار انواع شداید، دزدی و ظلم شده بودند، لذا برای رهایی از این دردسرها به خدمت سموئیل نبی رسیدند و از او خواستند حاکمی را بر آنها منصوب کند تا آنان از آن وضعیت اسفناک نجات دهد و قدرت حفاظت از آن‌ها و دارایی‌های آنان را داشته باشد. سموئیل نیز طالوت را تدهین یا روغن مالی کرد و لفظ ماشیح برای اولین بار بر او اطلاق شد. (سموئیل اول، باب ۲۴، آیه ۶)

این ابتدای طرح ماشیح است، ولی این روند ادامه پیدا می‌کند تا الگوی کامل مسیحایی از دوران حکومت داوود نبی شکل می‌گیرد. داوود تجلی بخش وعده الهی بر قوم برتر یا قوم خدا، به واسطه حکومت پی‌ریزی می‌شود. ماشیح موعود، داوود نیست، بلکه از نسل او است.

## ۲. موعود در منابع یهود

منبع مهم یهودیان در آموزه هایشان، عهد عتیق است که مشتمل بر ۳۹ کتاب است که از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می‌شوند:

تورات و بخش تاریخی عهد عتیق که شامل ۱۷ کتاب است که شامل پنج سفر تورات و ۱۲



کتاب دیگر است.

حکمت، مناجات و شعر که مشتمل بر ۵ کتاب است.

پیشگویی های انبیا که مشتمل بر ۱۷ کتاب است.

در تورات، بخصوص در اسفار پنج گانه، هیچ سخن صریحی درباره ماشیح و موعود وجود ندارد. برخی خواستند با تأویل برخی آیات آن، این چنین وانمود کنند، ولی به صراحت چیزی در این زمینه وجود ندارد. ولی در بخش های دیگر مثل مزامیر داوود و یا در پیشگویی های انبیایی مثل عاموس، هوشع، اشعیا، دانیال و ملاکی در این زمینه مطالبی دیده می شود؛ بخصوص از اشعیای دوم به بعد این مطلب همان گونه که آمد، پررنگ تر دیده می شود.

در کتب دیگر یهود نظیر تلمود بحث مسیحا یا ماشیح مشاهده می شود. نگاه تلمود پیرامون شخص ماشیح روی هم رفته به این قرار است:

«انسانی که از نهال خاندان سلطنتی داوود است و قداست او تنها به سبب موهبت های طبیعی او است. امت های مشرک به دست او نابود خواهند شد و بنی اسرائیل به قدرت جهانی خواهند رسید.» برای مسیحا نام هایی نظیر، ابن داوود، داوود، مناجم بن حزقیاء، صمخ، شالوم و خدرک، ذکر شده است و در آگادای تلمود به استقلال سیاسی و یهودی شدن امت ها اشاره شده است.

### ۳. عوامل پیدایش طرح ماشیح در یهود

آنچه باعث طرح دیدگاه ماشیح گری در آیین یهود شد و هر چه زمان بر آن گذشت آن را پررنگ تر کرده است، چند عامل می باشد:

#### - پیشینه بسیار تاریک قوم یهود

تاریخ یهود سرتاسر درد و رنج و تاریکی است؛ به طوری که هیچ نقطه روشنی در آن دیده نمی شود. در مقاطعی آزار و شکنجه و رنج و مشقت یهودیان به اوج خود می رسد و آنها همواره به دنبال یک نقطه روشن می گردند. لذا طرح ماشیح و گئولا (نجات) بود که جرقه های امید را روشن نگاه داشته و باعث شد تا یهودیان بدترین و هولناک ترین مصیبت های تاریخ را تحمل کنند و



منتظر روز حاکمیت ماشیح باشند.

امید به ظهور ماشیح، هنگام بدبختی های ملی شدت یافته است؛ یعنی وقتی که ظلم و تعدی یک دولت فاتح، بنی اسرائیل را زیر سلطه خود می گرفت، یهودیان از روی غریزه به دنبال نجات بودند و این زمینه ماشیح را طرح کرده است.

### - ماشیح وعده خداوند بر قوم یهود

خداوند در جاهای متعدد به بنی اسرائیل وعده می دهد اگر عمل کردید، شما را بر زمین مسلط خواهیم کرد و شما را برتری خواهیم داد؛ به عبارت دیگر، رابطه شان با خداوند بر اساس عهد و پیمان و معاهده است؛ یعنی یهود به این اعتقاد بودند که هرگاه به شرایط الهی عمل کنند، خداوند به وعده خود عمل خواهد کرد و ماشیح خواهد آمد و آنان را نجات خواهد داد.

مؤید این مطلب آن است که آنان در بسیاری از اوقات در اوج درد و رنج ها سراغ پیشگویی های کتاب مقدس درباره ماشیح می رفتند.

برای دلداری افراد در روزهای پر از رنج و مشقت و برای تشویق و تشجیع آنها با این که در برابر شدیدترین سختی ها که تاب مقاومت داشته باشند و نگذارند یأس و ناامیدی بر آنها چیره گردد، علمای یهود این حقیقت را گوشزد می کردند که «دردهای زایمان دوره ماشیح» سخت و شدید خواهند بود؛ یعنی همان طور که قبل از تولد طفل، مادر باید درد و رنج زیادی را تحمل کند، به همان گونه، ظهور ماشیح نیز با سختی ها و مشقت طاقت فرسا همراه خواهد بود.

با توجه به این اصل که تاریکی و سیاهی شب، قبل از دمیدن سپیده فزونی می یابد، علمای یهود این نکته را به مردم یادآوری می نمودند که پیش از ظهور ماشیح، آشفتگی و فساد در جهان به حد نهایت خواهد رسید و مشکلات و سختی های زندگی تقریباً غیر قابل تحمل خواهند شد. پس اگر شما خواهان وعده الهی و آمدن ماشیح هستید، باید برعهد و پیمان خود بمانید و مقاومت

کنید. (رک: کهن، ۱۳۸۲: صص ۲۶۱، ۲۶۲)



## – سیر تحول مفهوم ماشیح قومی نگر به یک اندیشه فراقومی یا فراملی

پیش از این گفتیم که سموئیل، طالوت را بر یهود حاکم قرار داد و نام ماشیح را برای او برگزید. قطعاً این اقدام برای نجات یک قوم بود و از این اطلاق، معنای فرا ملی فهمیده نمی شود. منتهی این حکومت وقتی به مراحل کامل خود در عصر داوود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) رسید، می توان آن را مصداق وعده الهی بر بنی اسرائیل دانست؛ به طوری که برای همه عالمان یهود، این ایده مطرح شد که حکومت مسیحایی داوود برای همیشه ادامه خواهد داشت. این را می توان در آیات سموئیل اول ملاحظه کرد. (سموئیل، باب ۷، آیات ۱۲ - ۱۵)

در سراسر مزامیر، دوران داوود و سلیمان به عنوان دوران طلایی یهود، عصر آرمانی و حکومت ابدی مطرح است. (مزامیر، باب ۷۲، آیات ۷ - ۱۱)

دیری نپایید که حکومت سلیمان که یک حکومت واحد بود، به دو تکه تبدیل شد. لذا وقتی دوران انحطاط حکومت بنی اسرائیل شروع می شود، ماشیح بودن داوود و سلیمان، رنگ می بازد و از این جا می گویند این حکومت ماشیح موعود نبوده و ماشیح در آینده خواهد آمد؛ از این زمان به بعد انتظار موعود بیشتر می شود؛ زیرا بدبختی ها و رنج یهودیان در این دوران افزایش پیدا می کند. می توان گفت دو عامل در تبدیل مفهوم ماشیح به اندیشه فراملی نقش داشته است:

## و عده به ماشیح در قول رسولانی نظیر عاموس، هوشع و بخصوص اشعیا

در طول تاریخ، اعتقاد به ظهور ماشیح در میان بنی اسرائیل قطع نشد و همواره افت و خیز داشته است. اولین پیشگویی در این مورد، آمدن دوران طلایی هوشع بود. (هوشع، باب ۱، آیه ۱۱) البته وعده ظهور شخص خاصی نیست، بلکه فقط وعده آمدن دوران طلایی برای یهود مطرح می شود.

وعده های اشعیا منحصر به آمدن دوران طلایی نمی شود، بلکه او ضمن تأکید بر این که وعده الهی تحقق پیدا می کند و بنی اسرائیل گرفتار محنت می شوند، تصریح می کند که شخصی به نام «عمانوئیل» به عنوان پادشاه تازه خواهد آمد. عمانوئیل یعنی «خدا با ماست.» در کلام اشعیا، عالی ترین مصداق برای نجات بنی اسرائیل همین عمانوئیل است (اشعیا، باب ۷، آیه ۱۴)



اشعیا که ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته، بیش از سایر پیامبران بنی اسرائیل به ظهور موعود بنی اسرائیل پرداخته است. کتاب او دو بخش اساسی دارد؛ بخش اول، هشدار به بنی اسرائیل در خودداری از کارهای قبیح و گناه آلود است و بخش دوم نیز به نوید ظهور موعود می‌پردازد.

به عبارت دیگر قبل از اشعیا به شخص اشاره نمی‌شود و فقط اشاره به دوران آرمانی می‌شود، ولی اشعیا به شخص اشاره می‌کند؛ به عبارت دقیق‌تر تا قبل از اشعیا اول، مفهوم ماشیح، منجی، قوم مدار و ملی است و اصلاً نگاه جهانی ندارد، ولی بعد از اشعیا دوم مفهوم ماشیح از مفهوم قوم مدار فراتر می‌رود و به صورت جهانی جلوه‌گر می‌شود و از آن به بعد کارکرد ماشیح یک کارکرد جهانی است، نه صرفاً قومی و نژادی.

پس از اشعیا اندیشه ماشیح به قوت خود باقی ماند و انبیای پس از او نیز وعده آینده بهتر و ظهور ماشیح و حکومت فنا ناپذیری دینی را سر دادند تا این که نبوت به دانیال (علیه‌السلام) رسید. این پیامبر، قوم یهود را در اوج سختی امیدوار کرده است. کتاب دانیال، کتابی رمزگونه است که در آن دانیال رؤیاهای عجیب می‌بیند که تعبیر آنها را جبرئیل برعهده دارد و خلاصه آن این است که ملکوت خداوند عادلانه و جاودان خواهد بود و در تاریخ بشر هیچ رویدادی خارج از قدرت خداوند رخ نداده و در آینده هم رخ نخواهد داد و آینده جهان به دست پسر انسان و حکومت الهی اداره خواهد شد؛ و حکومتش ابدی است. (دانیال، باب ۸، آیات ۱۳-۱ / باب ۸، آیه ۱۵)

دانیال در رؤیای خود به خوبی آخرالزمان را تشریح می‌کند و در کنار آن، روز و حکومت موعود را بازگو می‌نماید. او با زبانی رمزگونه اندیشه موعود آرمانی و آخرالزمانی را توضیح می‌دهد. اگر چه او هیچ‌جا نامی از ماشیح نمی‌برد؛ اما یهودیان، پسر انسان (پسر انسان در متون مقدس عبری یک واژه کنایه‌ای برای ماشیح می‌باشد که منجی یهود می‌باشد، ولی این واژه در عهد جدید که بیش از ۳۰۰ بار به کار گرفته شده است به معنی این جانب است؛ به عبارت دیگر کنایه از این است که من بازخواهم گشت. پس پسر انسان در عهد جدید و قدیم، کنایه موعود است؛ در عهد قدیم کنایه از ماشیح است و در عهد جدید کنایه از این است که عیسی علیه‌السلام دوباره باز خواهد گشت.) را بر ماشیح تطبیق می‌دهند.



اندیشه ماشیح و ظهور او به دانیال ختم نمی‌شود، بلکه بعد از دانیال، آخرین پیامبری که به آن پرداخته، «ملاکی» است. در آخرین کتاب عهد عتیق که کتاب ملاکی است به مفهوم مسیحا تأکید می‌شود، ویژگی ملاکی این است که بعد از اسارت توسط بابلی‌ها به این مقوله اشاره و به این اندیشه دو مفهوم اضافه می‌کند: یکی این که می‌گوید عمل به شریعت شرط تحقق آرمان مسیحایی (ماشیح) است و دیگر این که لباس را به مفهوم مسیحایی اضافه می‌کند.

خلاصه آنکه مفهوم ماشیح در نگاه رسولانی نظیر هوشع، اشعیا، دانیال و ملاکی، آرام آرام سمت و سوی جهانی به خود می‌گیرد؛ از واژه موعود قوم مدار بیرون می‌آید و به یک اندیشه جهانی تبدیل می‌شود.

### عامل دیگر بر پررنگی ماشیح، اسارت بابلی یهود است

اسارت یهودیان توسط بابلی‌ها یکی از عوامل مهم در سیر قوم گرایی ماشیح و تبدیل آن به یک اندیشه جهانی بوده است. البته این اسارت در چند مقطع صورت گرفت؛ این اسارت‌ها باعث تحولات، فراوانی برای قوم یهود شد که مهم‌ترین این تحولات همان تأثیر بر آموزه های یهود است؛ بخصوص بر اندیشه منجی خواهی و ماشیح. مؤید این مطلب آن است که وقتی در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، کوروش پادشاه ایران، یهودیان را نجات می‌دهد به «کوروش ماشیح» ملقب می‌گردد. این اسارت، انگیزه و نگرش شان را به ماشیح هم تغییر داده و هم تشدید کرده است. (شاکری زواردهی، ۱۳۸۷: ص ۴۳)

### ۴. پیامد موعود باوری در یهود

#### – امید به تحقق وعده الهی

آنچه یهود را در تمامی فراز و نشیب‌های تاریخی و جنگ و گریزها و اسارت‌ها سر پا نگاه داشت، امید به نجات توسط ماشیح بود. این فکر در سخت‌ترین شرایط نیز از آن‌ها جدا نشد و با تمام وجود به آن دل بستند و لذا عمل شرعی خود را انجام می‌دادند.





### - صبر و آرامش در برابر مشکلات

اگر این ویژگی نبود، دوام و قرار در نجات شان میسر نمی شد.

### - ایجاد نشاط

آنچه که می تواند زندگی بشر را از خطر ناامیدی برهاند و بدان امید بخشد موعود باوری است؛ زیرا این باور انرژی مترکمی را برای ثبات، نشاط و شادابی زندگی آینده می آفریند.

### - وحدت قومی

یکی از ثمرات موعود باوری در یهود؛ حفظ قومیت از دوگانگی بود و ماشیح این عامل را ایجاد می کرد.

### - تن دادن به شریعت و رفتار شرعی

یهود در دوران اسارت، اعمال شرعی را به موعود گره زدند و به این اعتقاد رسیدند که پای بندی به شریعت، در ظهور موعود ماشیح تأثیر دارد. (شاکری زوردهی، ۱۳۸۷: ص ۴۳)

## ۵. کارکردهای اندیشه ماشیح در یهود

### - تشکیل حکومت و استقلال سیاسی

برجسته ترین کارکرد ماشیح در نظر یهودیان تشکیل حکومت و ایجاد استقلال سیاسی است؛ زیرا یهود همیشه در اندیشه استقلال سیاسی بوده و این موضوع از آرزوهای دیرینه آنها بوده است. این مطلب در تلمود نیز تصریح شده است.

### - داوری نهایی بین همه اقوام و سهل گیری بر بنی اسرائیل

از نظر یهودیان، ماشیح در میان اقوام مختلف داوری نهایی را انجام خواهد داد. البته بین یهودیان داوری خواهد کرد، ولی این داوری را بر قوم یهود سهل می گیرد. دایره ظهور و فرمانروایی او شامل همه امم و اقوام انسانی خواهد بود؛ به طوری که تمام صاحبان ارواح از خیر و

شر در محضر عدل الهی به محاکمه دعوت خواهند شد. (بی ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۵۱)



### - نابودی امت های مشرک

ماشیح، خوبان و رستگاران را از گناهکاران جدا می سازد. اشرار را در آتش دوزخ فرو می افکند و صالحان و ابرار به بهشت جاودان در جوار برکات خداوندگار قرار خواهند گرفت. (بی ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۵۱)

البته به نظر می رسد مرادشان از اقوام مشرک، همان اقوام غیر یهودی باشد این یک مسئله محل بحث و گفت و گو است که آیا یهودی شدن همه اقوام در دین یهود وجود دارد یا خیر. با این که یهودیت مبلغ ندارند و دین بسته ای است، اما از ظواهر گفته اینان بر می آید که همه باید موحد باشند.

آقای جولوس کرینستون در کتاب انتظار مسیحا در آیین یهود می نویسد:

در مورد این که آیا اقوام غیر یهودی در عصر مسیحا (ماشیح) به یهودیت خواهند گروید یا نه؟ میان ربانیون یهود اختلاف نظر وجود داشت. برخی معتقد بودند که ایمان آنان پذیرفته نخواهد شد، مانند زمان داوود و سلیمان؛ زیرا انگیزه آنان در تغییر عقیده، برخورداری از شادی های فراوان آن دوره (ظهور) خواهد بود و نه پذیرش خالصانه اصول یهودیت. دیگران معتقد بودند که آرزوی تمام امت ها برای ورود به یهودیت برآورده خواهد شد، اما به سختی. (کرینستون، ۱۳۷۷: ص ۶۷)

### - اعطای قدرت جهانی به بنی اسرائیل

این فکر زاینده سالیان دراز در به دری، بدبختی و اسارت است اینان که ابتدا چنین نمی اندیشیدند، حال به فکر قدرت جهانی و اندیشه جهانی ماشیح رسیدند. البته به اعتقاد آقای جان بی ناس - صاحب کتاب تاریخ ادیان - اینان تحت تأثیر افکار زرتشتیان به این اندیشه رسیدند و الا ماهیت بشارت مسیحایی، خاص قوم یهود بوده است.

### - زنده کردن مردگان

مردگان و اموات از گور برخاسته با زندگان و گروه متقیان و ابرار گرداگرد مسیحا صف واحدی

تشکیل می دهند. (بی ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۵۱)



در این زمینه تطبیق روشنی وجود ندارد زیرا برخی می‌گویند همه بر می‌گردند و برخی معتقدند گروهی از بنی اسرائیل بر می‌گردند و برخی دیگر معتقدند انبیاء بنی اسرائیل بر انگیخته خواهند شد تا ماشیح بینشان داوری کند.

## ب. باور موعود گرایی در مسیحیت

مسیحیت تنها دینی است که از دل دین دیگری (یهود) بیرون آمد. این ویژگی ممتاز مسیحیت است. مسیحیت یک مذهب از مذاهب مختلف یهود است، ولی بنابه دلایلی آن را جدا و دین مستقل می‌دانیم. پس می‌توان گفت:

مسیحیان به لحاظ تاریخی با یهودیت مشترک هستند؛ یعنی پیشینه تاریخ یهودیت و مسیحیت یکی است و بزرگان تاریخی یهودیت همان بزرگان مسیحیت هستند. (شاکری زواردهی، منجی در ادیان، ص ۶۸)

آن‌ها باورهای مشترک دارند؛ هر چه یهودیت معتقد است، مسیحیت هم اعتقاد دارد.

پس از عیسی بن مریم (علیه‌السلام) عده‌ای ادعای ماشیح کرده‌اند، اما هیچ‌کس به اندازه عیسی (علیه‌السلام) مطرح نشد و فقط ادعای عیسی (علیه‌السلام) به عنوان ماشیح، مطرح شد. پیروان او همین یهودیان بودند؛ زیرا بر اساس یک باور یهودی، منجی ماشیح شکل گرفت (تا این جا مسیحی نداریم، همان یهودیان هستند).

بر اساس آموزه‌های مسیحیت، نه عیسی ادعای دین جدید دارد و نه جماعتی که اطراف او جمع شدند. همه مدعی بودند که یهودی هستند؛ منتهی همان موعود و منجی که منتظرشان بودند ظهور کرده است.

## ۱. پیشینه تاریخی موعود باوری مسیحی:

مسیحیت در پیوستی تنگاتنگ با سنت دینی پیش از خود است و نمی‌توان در مطالعه آن، از سنت و باورهای یهودیت چشم پوشید. این دین در بستری کاملاً یهودی متولد شد و با گذر روزگار در هویت دینی جدید گسترش یافت؛ (موحدیان عطار، ۱۳۸۹: ص ۲۲۱) تنها چیزی که آنان را از سایر



مسیحیان جدا می‌کرد این بود که آنان عیسی را همان موعودی می‌دانستند که بنی اسرائیل بر اساس وعده‌های پیامبران، قرن‌ها در انتظار اوست. به همین دلیل، به درستی می‌توان گفت، مسیحیت دینی است که بر اساس یک باور کاملاً موعودی شکل گرفته است. (موحدیان عطار، ۱۳۸۹: ص ۲۲۲)

## ۲. جایگاه اعتقاد به رستاخیز عیسی در موعود باوری مسیحی

رستاخیز عیسی مسیح (علیه‌السلام)، در پیوند عمیق با آموزه بازگشت عیسی (علیه‌السلام) به مثابه منجی موعود در آخرالزمان است. (موحدیان عطار، ۱۳۸۹: ص ۲۲۵)

رستاخیز عیسی (علیه‌السلام)، برای دیانت تازه دو نتیجه به همراه داشت:

- دلیلی بود بر حقانیت عیسی و اینکه او به واقع همان مسیحی‌های یهودیان بوده است.

- سبب شد جامعه‌ی پیروان او برای همیشه در انتظار بازگشت او باشند.

پس از این بود که موعود باوری در مسیحیت در یک درک تازه و متمایز از سنت یهودی امتداد یافت.

برای بازگشت عیسی مسیح، تفاسیر گوناگونی به چشم می‌آید:

در آیاتی از کتاب مقدس، بازگشت عیسی بازگشتی آسمانی است: «تا خدا را در آسمان ملاقات کنیم.» در آیاتی دیگر، بازگشت عیسی و حضورش بازگشتی زمینی است، همین عیسی (علیه‌السلام) که از میان شما بالا برده شده است، باز خواهد گشت. «>>

در جایی آمده، مسیح برای خاصان می‌آید و در دیگر جای، برای تمام مردم جهان داوری خواهد کرد؛ در جایی مومنان را نجات می‌دهد و در دیگر جای، همه‌ی جهانیان را رهایی خواهد داد. (موحدیان عطار، ۱۳۸۹: ص ۲۲۶)

اما درباره این موعودباوری جدید، نکته‌هایی وجود دارد که توجه به آن ضروری است:

- موعود باوری در مسیحیت، هیچ‌گاه از الاهیات یهودی خود به شکل کامل جدا نشد؛ چنان که نتوانست از بستر تاریخی و فرهنگی خود فاصله بگیرد. مسیحیت هنوز ریشه‌های یهودانه خود را از



دست نداده است؛ به طوری که باورها و اصول ایمانی فراوانی را می توان در تار و پود مسیحیت دید.

- مسیحا دانستن عیسی در جامعه یهودی، امری نبود که به سادگی مورد پذیرش عمومی قرار گیرد.

- در اینکه آیا عیسی خود مدعی مسیحایی بود یا خیر، عهد جدید گزارش روشنی ارائه نمی کند.

- گزارش اناجیل از عیسی (علیه السلام) هرگز یادآور فرمانروای پر قدرتی نیست که یهودیان از دیرباز در انتظارش بودند.

### ۳. منجی گرایی در آیین مسیحیت

نویدهای موجود در اناجیل معتبر بدین صورت آمده است:

همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد؛ و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید... آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخن من هرگز زایل نخواهد شد، اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس. لِهَذَا شَمَا نِیز حَاضِر بَاشِید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. (انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۴)

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کنند، به قسمتی که شبان میشها را از بزها جدا می کند. (انجیل متی، باب ۲۵، بندهای ۳۱، ۳۲)

آن گاه پسر انسان را ببینند که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد ... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم پس بر حذر و بیدار



شده، دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. (انجیل مرقس، باب ۱۳، بندهای ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲)

کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. (انجیل لوقا، باب ۱۲، بندهای ۳۵، ۳۶ و با همین مضمون انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۷، ۳۳ - ۳۶)

در انجیل یوحنا (بندهای ۱۲ - ۱۷) نویدهای جالب و جامعی درباره منجی و موعود آخرالزمان دارد. توضیح اینکه کلمه «پسر انسان» مطابق نوشته مسترهاکس آمریکایی در کتاب خود به نام قاموس کتاب مقدس، هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط سی مورد آن بر حضرت عیسی (علیه‌السلام) قابل تطبیق می‌باشد. (مسترهاکس، ۱۳۷۷: ص ۲۱۹) پنجاه مورد دیگر از نجات دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد کرد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد.

از کتب مقدس این چنین برداشت می‌شود که:

شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به عنوان نجات‌بخش و منجی خواهد آمد که همه انتظار او را دارند، چنان که از تمامی عبارات کتب مقدس استفاده می‌گردد. دیگر اینکه همه ملت‌های جهان و تمامی مردم دنیا از او پیروی می‌کنند و زیر نفوذ او خواهند رفت و او بر جهان حکومت خواهد کرد و رئیس جهان خواهد بود و سلطنت او در ربع مسکون مستقر خواهد شد. (فصل ۴۹، بند ۱۰ سفر پیدایش و باب ۱۶ انجیل یوحنا و باب ۲۴ انجیل متی و مزمور ۹۶ زبور)

او از خود تکلم نمی‌کند و روی هوای نفس خود حرف نمی‌زند و بلکه طبق آنچه از خدای تعالی و پیامبران شنیده است سخن خواهد گفت. (ر.ک: یوحنا باب ۱۶) او وقتی بیاید مردم را به جمیع راستیها هدایت خواهد نمود. (زبور داوود مزمور ۳۷ و کتاب دانیال باب ۱۲)

او مردم را به عدالت ملزم می‌کند و خودش به عدالت دآوری می‌کند. (اشعیا نبی و باب ۱۶ انجیل



یوحنا و زبور داوود مزمور ۹۶ بندهای ۱۰ - ۱۳)

قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم و جور می‌شود و سراسر جهان را ظالمین و ستمگران احاطه می‌کنند.

وقتی او بیاید همه اعداد در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی می‌کنند و حتی درندگان و حیوانات مودی کوچک‌ترین آسیبی به حیوانات اهلی نمی‌زنند. (ر.ک: اشعیا نبی باب ۱۱) او قدرتمندترین ابرقدرتها را سرکوب می‌کند و به‌طور کلی اشرار را از بین می‌برد و اثری از آنها باقی نمی‌گذارد. بعد از ظهور او صالحان و صدیقان و حلیمان وارث زمین می‌شوند و جهان و آنچه در اوست به آنان تعلق خواهد گرفت. (ر.ک: زبور داوود مزمور ۳۷)

#### ۴. تفاوت های موجود بین موعود مسیح و موعود یهودی مسیحی

موعود مسیح اگر چه متشخص است، ولی انسان نیست او بالاتر از انسان، یعنی پسر خدا است. این موعود نقش آفرینی می‌کند در حالی که در موعود مسیحی یهودی، موعود انسان به عنوان خدا است.

موعود مسیحی فراتر از تأثیر درونی بر افراد است؛ بناست حکومتی تشکیل دهد و بر مردم حکومت کند بر خلاف آن، موعود یهودی - مسیحی فردی است و فقط ایمان آوردن به او کافی است؛ داعیه حکومت و داوری بین مردم ندارد.

موعود مسیحی کارکرد فرا ملی و فرا نژادی دارد؛ به خلاف موعود یهودی - مسیحی که موعودی نژادی و ملی است؛ البته موعود در هر دو، کیهانی است. (شاکری زواردهی، ص ۹۱)

همه باید منتظر او باشند، زیرا وقت ظهورش مشخص نیست و حتی ملائکه آسمان هم نمی‌دانند و بالاخره جز خدای تعالی کسی از آمدنش اطلاع ندارد؛ بنابراین باید همه بیدار باشند و آمدنش را انتظار داشته باشند. (انجیل یوحنا، باب ۱۵ - ۱۶ بند ۲۶) همه چیز در اختیار او قرار خواهد گرفت و او بر ابرهای آسمان با قوت و جلال خواهد آمد. (انجیل متی، باب ۲۴ بند ۲۷) او جهان را از معرفت خدای تعالی پر خواهد کرد و مردم دنیا همه خداشناس خواهند شد. (ر.ک: انجیل یوحنا، باب ۱۶) و



خلاصه وظیفه مردم در زمان غیبت او این است که برای ظهورش دعا کنند و همیشه منتظر او باشند، زیر او ناگهانی خواهد آمد. (ر.ک: انجیل مرقس باب ۱۳)

## ج. باور موعودگرایی در اسلام

### ۱. مهدویت در قرآن

خداوند سبحان در قرآن مجید مقصد نهایی انسان را در آینده تاریخ، مشخص نموده است و خواست او به این تعلق گرفته که صالحان وراثت زمین سند و بر خلاف عقیده مشرکین دین را به طور کامل به اجرا درآورند و عدالت و قسط را در پهنه جهان بگسترانند تا انسان بتواند از رهگذر این امنیت به هدف نهایی که پرستش خدا و رسیدن به کمال انسانیت است از طریق برپایی نماز و دادن زکوه و امر به معروف و نهی از منکر دست یابد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) برخی از آیات قرآن مجید به وجود مقدس و با برکت حضرت مهدی موعود و ظهور قیام او و چگونگی حکومتش تفسیر نموده اند. بر طبق این آیات و روایات حضرت مهدی موعود (علیه السلام) وعده ای است الهی که در آخر الزمان خداوند به او اذن ظهور می دهد تا آنچه را که انبیاء به خاطرش مبعوث گردیدند و سر راهش هزاران بلا را به جان خریدند، به انجام برساند در این مبحث آیاتی از قرآن مجید را به عنوان شاهد مثال می آوریم:

#### - سوره بقره

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

(بقره/ ۱۵۵) و قطعاً شما را به چیزی از [قیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و مؤده ده شکیبایان را.

از محمد بن ابراهیم نعمانی معروف به ابن ابی زینب از محمد بن مسلم نقل می کند از حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد که فرموده همانا قبل از ظهور حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه





الشریف) علامت‌هایی است از سوی خداوند، امتحان مؤمنین می‌باشد.

عرضه را ستم آنها هستید؟

فرمودند: پس آنست فرموده خدای عزوجل والبته شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمبودی از اموال و جان‌ها و ثمرات می‌آزماییم و مژده ده صبرکنندگان را ...  
سپس به من فرمود: ای محمد این است تأویل آن [همانا خدای عزوجل می‌فرماید] و تأویل آن را نمی‌داند جز خداوند در امتحان در علم

### -سوره آل عمران-

«ای ایها الذین آمنوا صبروا، صابروا و رابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون»

فرموده خدای تعالی: ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و یکدیگر را به صبر توصیه نمایید و با یکدیگر ارتباط برقرار کنید و پروای الهی را پیشه سازید باشد که رستگار شوید. (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۵۲، ص ۲۰۲)

امام باقر موده اند: «صبر کنید برای ادای فرائض و با دشمنان تتان پایداری کنید و با امامتان که انتظارش را می‌کشید رابطه - پرسیدند رابطه با امام (علیه‌السلام) یعنی چه؟

فرمودند: خود را به رشته او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن و این یکی از ارکان ایمان است که آدمی خود را به امام خویش مربوط سازد و از او جدا نشود.» (یزدی حائری، ۱۳۶۲: ج ۱ و ۲، ص ۵۳)

### - سوره اعراف -

«وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٍ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف / ۱۵۹)

و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند  
عیاشی در تفسیر خود آن را به سند خود از مفضل بن عمر از حضرت ابی عبدالله امام صادق (علیه‌السلام) روایت فرمودند.

هرگاه قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به پا خیز از سمت کعبه بیست و هفت مرد را



بیرون می آورد. پانزده تن از قوم موسی آنان که به حق قضاوت نموده و به آن باز می گردند و هفت تن از اصحاب کهف و یوشع وصی حضرت موسی (مومن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر) (مفید، ۱۳۷۷: ص ۳۴۴)

### -سوره توبه

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه/۳۳)

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند

ابن بابویه ... از ابوبصیر نقل می کند که حضرت ابوعبدالله امام صادق (علیه السلام) فرموده خدای عز وجل، اوست خدایی که رسولش را با هدایت حق و دین حق فرستاد تا او را به همه دین آشکار سازد. هر چند که مشرکان این امر را اکراه دادند.

فرمود به خدا سوگند تاویل آن هنوز نازل نشده و تاویل آن نازل نخواهد شد تا این که قائم (عج) خروج نماید.

پس چون قائم عج الله خروج کند هیچ کافر به خدای عظیم، هیچ مشرک به امامت باقی نماند مگر اینکه خروج او را اکراه دارد. (بحرانی، بی تا ص ۱۵۰ - ۱۵۱)

«و اوست امامی که خداوند به وسیله او دین را تماماً آشکار میکند و زمین را پر از عدل می کند همان گونه که از ظلم پر شده باشد»

### سوره حجر

« قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ، قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ، إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (۳۶،

۳۷، ۳۸/حجر)

گفت پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده، فرمود تو از مهلت یافتگانی تا روز [و] وقت معلوم.

ابوجعفر محمد بن حریر طبری ... از وهب بن صمیع آزاد شده اسحاق بن عمار گفتن از حضرت



امام صادق (علیه السلام) در مورد ابلیس پرسیدم که روز معین و معلوم چه روزی خواهد بود؟ امام فرمودند: وقت معلوم روز قیام آل محمد است هرگاه خداوند او را برانگیزد در مسجد کوفه که ابلیس می آید در حالی که به زانوهایش راه می رود و می گوید ای وای از این روزگار آن گاه از پیشانی‌ش گرفته شده گردنش زده می شود. (بحرانی، بی تا، ص ۱۹۶-۱۹۷)

### - سوره اسراء

«وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء / ۳۳)

و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده ایم پس [او] نباید در قتل زیاده روی کند زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است.

ابوالقاسم عمر بن حمد بن قولویه در کتاب کامل الزیارت گوید: محمد بن الحسن بن احمد ... از محمد بن سنان که از امام صادق (علیه السلام) راجع به فرموده خدای تعالی سوال کردم.

فرمود آل قائم ال بیت محمد است خروج می کند و به انتقام خون حسین (علیه السلام) دشمنان را می کشد پس چنان چه اهل زمین را به قتل رساند مصرف نخواهد بود.

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء / ۸۱)

و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است

محمد بن عیوب ... از ابو حمزه که از حضرت ابوجعفر امام باقر (علیه السلام) روایت آورده «هر گاه قائم بپایخیزد دولت باطل از بن می رود زائل می گردد.» (بحرانی، بی تا، ص ۲۳۱)

### - سوره نور

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي

قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي



شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور / ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که فاسقانند.

حمد بن عباس از عبدالله بن سنان روایت آورده است که گوید از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره فرموده خدای عز و جل:

خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده فرموده که در زمین خلافت دهد چنان که اسم صالح پیامبران گذشته را جانشین خود ساخت، پرسیدم فرمود: درباره علی بن ابی طالب و امامان از فرزندان او نازل گشت. فرمودند: منظور از آن ظهور حضرت قائم است. (طبرسی نور، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۲۷)

### – سوره قصص

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵)

و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های با ارزش دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم. محمدبن الحسن شیبانی در کتاب سقیف البیان گوید از امام محمدباقر (علیه‌السلام) و امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که فرعون و هامان در این جا دو شخصی از یاران قریش می‌باشند.

خداوند تعالی آن دو را هنگام قیام قائم آل محمد در آخرالزمان زنده خواهد ساخت و به خاطر آنچه در گذشته مرتکب شده‌اند از آنها انتقام خواهد گرفت. (طبرسی نور، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۹۷)



## ۲. مهدویت در روایات اهل سنت

بزرگان ائمه حدیث و علم رجال و پیشوایان مذهب اهل سنت، کتابهای مستقلی پیرامون حضرت مهدی منتظر (عج) نگاشته‌اند. «روایاتی که پیرامون بنیانگذار حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی مهدی موعود قائم آل محمد (صلی‌الله علیه وآله و سلم): در منابع معتبر اهل تسنن آمده است، دست کمی از روایات شیعیان نمی‌باشد.» (مهدی پور، بی‌تا، ص ۱۲۲)

در کتاب‌های اهل تسنن که روایات حضرت مهدی (علیه‌السلام) را آورده اند به نقل روایات کلی اکتفا نشده، بلکه از اوصاف و خصوصیات آن حضرت نیز بحث شده است.

مثلاً در دهها کتاب از دانشمندان سنی تصریح شده است که «مهدی موعود» فرزند بلافضل حضرت امام حسن عسگری (علیه‌السلام) می‌باشد. (مهدی پور، بی‌تا، ص ۱۳۶)

همچنین اهل سنت در این اصل که حضرت مهدی (علیه‌السلام) در آخر الزمان ظهور می‌کند و جهانی را که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می‌نماید، هیچ اختلافی باشیعه ندارد و اخبار متواتر فراوانی در این زمینه وجود دارد.

اما اهل سنت با شیعه در مسائل جنبی این جریان، مانند تولد، غیبت، مکان ظهور، با یکدیگر اختلاف دارند البته بعضی از بزرگان اهل سنت با شیعه هم عقیده هستند.

جابر بن سمره روایت می‌کند که شنیدم رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله و سلم) فرمودند:

این، دین همواره عزیز و گرامی خواهد بود و دوازده خلیفه خواهد داشت، مردم تکبیر گفتند و سبزه زدند، پس پیامبر (صلی‌الله علیه وآله و سلم) فرمود: تمام آنها از قریش هستند. (سبحانی، بی‌تا، ص ۲۰۷)

امام احمد بن حنبل در کتاب مسند، خود از پیامبر (صلی‌الله علیه وآله و سلم) نقل می‌کند که فرمود:

شما را به ظهور مهدی (علیه‌السلام) بشارت می‌دهم او در میان امت من برانگیخته می‌شود. ظهور وی پس از اختلاف زیاد و تزلزل و عدم امنیت خواهد آمد. پس از ظهور زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همین گونه که پر از ظلم و جور شده است.



آسمان‌ها و زمین از او راضی می‌شوند و اموال را به طور صحیح تقسیم می‌کند. مردی پرسید  
معنی صحیح چیست؟

فرمود: مال را به طور مساوی در میان مردم تقسیم می‌کند.

پس فرمود خداوند دل‌های پیروان محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) را پر از بی‌نیازی می‌کند و  
عدالت مهدی (عج الله تعالی فرجه) همه جا را فرا می‌گیرد تا آنجا که دستور می‌دهد کسی با صدای  
بلند اعلام کند: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد و هیچ کس اظهار نیاز نمی‌نماید جز یک نفر.

امام به او دستور می‌دهد نزد خزینه دار برود به او بگوید:

مهدی (علیه السلام) به تو فرمان می‌دهد که مال در اختیار من قرار دهی خزینه دار می‌گوید:  
بگیر و دامن او را پر می‌کند. چون در اختیار او قرار می‌گیرد پشیمان می‌شود که چرا آزمند و حریص  
شده است لذا مال را بر می‌گرداند، ولی خزینه دار نمی‌پذیرد و می‌گوید ما آنچه را بخشیدیم پس  
نمی‌گیریم. (قرش گنجی شافعیی‌تا، ص ۳۸۹)

سعید بن مسیب گوید که نزد ام اسلمه بودیم و در مورد مهدی با هم گفتگو می‌کردیم، ام سلمه  
گفت که از رسول خدا شنیدم که فرمود: مهدی از فرزندان فاطمه است. (ابن ماجه، ۱۳۷۲: ج ۲، ص  
۱۳۶)

ابواسحاق از حضرت علی (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت در حالی که به فرزندش  
حسین (علیه السلام) می‌نگریستند فرمودند: این پسر من، سید و سرور امت همان طوری که رسول  
خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) او را این چنین نامید و به زودی از صلب او مردی خروج می‌کند که به  
نام پیامبر است که در خلق و نه در شکل ظاهری به او شبیه است و زمین را پر از عدل و داد می  
کند. (مقدس شافعی، ۱۳۹۹ ق: ص ۳۴)

حی الدین عربی در فتوحات می‌گوید خروج مهدی (علیه السلام) از حتمیات است لکن او خروج  
نمی‌کند تا وقتی که زمین پر از ظلم و جور شود. او می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند و اگر  
از عمر دنیا فقط یک روز باقی باشد خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا این خلیفه که از عترت  
رسول خدا صلی الله و از فرزندان فاطمه است و جد او حسین بن علی و پدرش حسن عسگری



فرزند امام علی النقی است بیاید. او جزیه را دیگر از کفار نمی‌گیرد و با شمشیر به خداوند دعوت می‌کند. (یزدی حائری، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۰۷)

خصوصیات حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه) در روایات است.

کعب گوید: او مهدی نامیده شده است؛ زیرا به چیزی که نهان مانده است هدایت می‌کند و تورات و انجیل را از درون زمینی به نام «انطاکیه» خارج می‌کند. (فقیه ایمانی، ۱۴۰۲، ق، ج ۱، ص ۱۰۷)

از حذیقه بن الیمان از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه وآله و سلم) روایت است که فرمودند مهدی از فرزندان من است که چهره‌اش مانند ماه می‌درخشد، رنگش به رنگ مروارید عربی دهلیکش بین اسرائیلی است. در زمین را پر از عدل می‌کند همانطور که از ظلم پرشده باشد، اهل آسمان‌ها و زمین و پرندگان در قضا از حکومت او شادمان و راضی می‌شوند و بیست سال حکومت می‌کند. (مقدس الشافعی، ۱۳۹۹، ق: ص ۴۰۲)

### ۳. مهدویت در روایات اهل تشیع

شیخ صدوق (ره) طی روایتی از عبدالله بن صالح از امام رضا(علیه‌السلام) از پدران خود امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) روایت کرده است که رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله و سلم) می‌فرمودند:

گفتم پروردگارا اوصیا من چه کسانی هستند؟ ندانی آمد که ای محمد! نام اوصیاء تو بر پایه عرش نوشته شده است. من در حضور پروردگار جل جلاله به پایه عرش نظر کردم، دوازده نور دیدم که در هر نور دیدم که در هر نور، سطرسیز رنگ بود و بر آن سطر نام یکی از اوصیایم، اولین آنان علی بن ابیطالب و آخرین آنان مهدی امتم بودند.

گفتم پروردگار را اینها بعد از من اوصیاء هستند؟ ندا آمد که ای محمد اینان اوصیاء دوستان، برگزیدگان و حجت‌های من بعد از تو در بین مخلوقاتم هستند و آن‌ها، اوصیاء و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو هستند. قسم به عزت و جلالم که دینم را توسط آنان پیروز می‌کنم و کلمه خویش را به وسیله آنان بالا خواهم برد و زمین را با آخرین آنان از لوٹ وجود دشمنانم پاک خواهم کرد؛ و شرق و غرب عالم را با ملک و در اختیار او در خواهم آورد. بادها را فرمان بردار او



خواهم کرد، ابرهای سخت و سهمگین را در مقابل او و برای او خوار و ذلیل خواهم نمود و او را به آسمان ها خواهم برد و با لشگریانم یاری اش خواهم نمود و با ملائکه مدد خواهم رساند تا دعوت مرا آشکار گرداند و خلق را بر توحید و یکتاپرستی گردآورد. پس پادشاهی او را ادامه و استمرار می دهم و روزگار را تا در قیامت در اختیار اولیائم. یکی پس از دیگری قرار خواهم داد.

### - فضیلت انتظار فرج

حضرت علی (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می کند که فرمود برترین عبادت انتظار فرج است. (صدوق، ۱۳۸۲: ج ۱ ص ۵۳۷)

والا ترین مردم از نظریقین قومی هستند در آخر الزمان که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رادک نکرده اند و محبت خدا از آنها مخفی است آنها به مرکب سیاه روی کاغذ سفید ایمان آورده اند. (کامل سلیمان، مترجم: مهدی پور، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۵۳)

بزنتی از امام رضا (علیه السلام) روایت می کند که فرمود:

صبر و انتظار فرج چه نیکوست، آیا سخن خدای تعالی را نشنیدی که فرمود: چشم راه باشید که من نیز با شما چشم به راهم و فرمود: منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم پس بر شما باد که صبر کنید که فرج پس از یاس می آید و پیشینیان شما از شما صابرتر بودند. (صافی گلپایگانی، بی تا، ج ۲، ص ۵۴۷)

### - لباس حضرت مهدی عجله در وقت ظهور

یعقوب بن شعیب از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است که آن حضرت فرمود آیا پیراهن قائم را که بر تن داشتند آن قیام می کند نشانت دهم به عرض کردم چرا گوید: پس امام جعبه ای را خواست و آن را گشود و از آن کرباسی رایبرون آورده آن را باز کرد که ناگاه دیدم در آستین چپ آن خون مشاهده می شود پس فرمود: این پیراهن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است در روزی که دندان های پشین آن حضرت ضربه دید آن را به تن داشت و قائم ما در این پیراهن قیام خواهد کرد. (نعمانی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۲)





ابوبصیر گوید: شنیدم امام باقر (علیه السلام) می فرمود در صاحب امر روش‌های و شیوه‌هایی از چهار پیامبر است:

سنتی از موسی (علیه السلام)، سنتی از عیسی (علیه السلام)، سنتی از یوسف (علیه السلام)، سنتی از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) من عرض کردم: سنت موسی کدام است؟ فرمود: ترسان و نگران است. پرسیدم سنت عیسی (علیه السلام) کدام است؟

فرمود آنچه در مورد موسی گفته شد در مورد او نیز گفته می‌شود. عرض کردم سنت یوسف چیست؟ فرمود: ناپدید شدن پس عرض کردم سنت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کدام است؟ فرمود چون قیام کند همچون پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتار خواهد کرد. جز اینکه او آثار رسول خدا را روشن می‌سازد و مأمورتیش دنباله همان مأموریت پیامبر است. شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته و هشت ماه به شدت مبارزه می‌کند تا این که خدا راضی شود پرسیدم چگونه از رضایت خداوند آگاه می‌گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می‌اندازد. (نعمانی، مترجم محمدجواد غفاری، ۱۴۲۲، ص ۱۶۵ - ۱۶۴)

## د. نقاط اشتراک و افتراق بین ادیان ابراهیمی در باور موعودگرایی

### ۱. نقاط اشتراک

- امید به آینده جهان و بشریت (غلبه حق بر باطل)

یکی از ویژگی‌های مشترک سه دین اسلام، یهود، مسیحیت، امیدواری به آینده است. هر سه دین، با وجود آنکه در برهه‌ای از زمان، حوادث ناگوار و تلخ را پیشگویی کرده‌اند، امید به نجات انسان را به امت‌های خود داده‌اند.

البته ممکن است منشأ این امید متفاوت باشد و در جزئیات نیز با یکدیگر اختلاف داشته باشند. ادیان ابراهیمی بعد از ذکر حوادث ناگوار و سختی‌ها مردم را به صبر و بردباری و گذر از این مرحله سفارش کرده‌اند، با این امید که آینده در نهایت به کام آن‌ها خواهد بود.

در یهودیت و مسیحیت امید بستن به جهانی روشن و نورانی که در آن آدمی بر همه



خواسته‌های خود کامیاب و از گناهان پاک شود و از همهٔ دلبستگی‌های مادی و جلوه‌های زشت آن‌رهایی یابد و به وجود منجی موعود ایمان بیاورد آشکارا دیده می‌شود.

در دین یهود این عقیده یعنی امید به آینده با عقیدهٔ قوم برتر همراه است که روزی به حکومت خواهند رسید و اقوام دیگر برابر آنها خاضع خواهند شد. یهود قائل است که با توجه به قادر و مهربان بودن خداوند نظم حاکم بر جهان باید در آینده به نظم الهی سازمان یافته تبدیل گردد و قدرت‌های شیطانی سُست شود و موحدان زندگی جاودانه یابند: «آنگاه در سراسر سرزمین ما سلامتی و عدالت برقرار خواهد شد. باشد که پادشاه به داد مظلومان برسد و از فرزندان فقیر حمایت کند و ظالمان را سرکوب نماید» (عهدعتیق، مزامیرداوود، ۷۲: ۳)

در فرهنگ مسیحی نیز همین اعتقاد (غلبهٔ حق بر باطل در واپسین دوره‌ها) به وضوح و روشنی وجود دارد. اعتقاد بر این است که در آخر زمان منجی و تسلی‌دهنده‌ای می‌آید و همه در حکومت منجی حاضر و دادگاهی می‌شوند و صالحان و نیکوکاران به زندگی ابدی می‌رسند.

در مزامیر داوود می‌خوانیم:

«نزد خدا ساکت شو و منتظر او باش...! و اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی نعمت و سلامتی متلذذ» (مزبور ۳۷، بند ۱۲ - ۹ و ۱۸ - ۱۷):

«مسیح می‌آید و جهان پس از ظهور آن منجی در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان، از نقره و طلا پر خواهد گشت و خزائن ایشان را انتهایی نیست» (اشعیای نبی، ۷: ۲)؛  
«وقتی پسر انسان خواهد آمد، روی زمین را ایمان خواهد گرفت و وقتی مسیح می‌آید که تمام زمین ایمان را بیابد» (همان، ۱۱)

امید به آینده در اسلام، اعم از آیندهٔ جوامع، عالم آخرت و بُعد معنوی است؛ زیرا تصریح آیهٔ قرآن است که از رحمت خدا ناامید نشوید. آینده از آن «خوبی‌ها» است و آنچه می‌ماند، «خیر و حق» است و باطل رفتنی است، گرچه جولان اندکی نیز داشته باشد:

«بگو حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل محوشدنی است» (الإسراء / ۸۱)



گفته می شود که بشارت ادیان الهی مبنی بر پیروزی حق و نابودی باطل، تاکنون در تاریخ تجربه نشده و صرف ادعا است؛ زیرا با نگاهی به تاریخ روشن می شود که همواره اهل باطل نسبت به اهل حق اکثریت داشته اند. این امید در فرهنگ اسلامی آنگاه پُرفروغ تر می شود که خاتم رسولان می فرماید:

«اگر از روزگار جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی مردی از اهل بیت مرا بر می گمارد تا دنیا را پر از عدل و داد نماید، همانگونه که پر از ظلم و جور شده است» (مجلسی، ۱۳۶۴، چاپ اول، ج ۵۱، ص ۷۴).

اگر فقط یک روز از عمر جهان باقی بماند، مایوس نباشید که وعده فرجام نیک و غلبه خیر بر بدی، حتمی است و مهدی، منجی موعود، (علیه السلام) خواهد آمد.

دین حق (اسلام) که تشریح شده از جانب خداوند است، باید تفکر غالب بر جهان باشد تا دکترین حاکمیت مطلق خداوند در زمین عملی شود؛ چرا که اگر این امر محقق نشود، دلیلی بر پیروزی سپاه ابلیس در زمین است. این امر با راز خلقت انسان و جن که عبادت خداوند است، منافات دارد. از همین رو، باید این تفکر الهی در زمین محقق شود و بساط ابلیس و سپاهیانش برچیده شود. غلبه دین حق بر همگان همان غلبه حزب الله بر حزب شیطان است: «...فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مانده/۵۶)

### -مصلح کل و منجی مطلق، مردی الهی است-

این نیز یکی از نقاط مشترک هر سه دین است و از منظر ادیان ابراهیمی، بشر عادی و معمولی، قدرت اجرای کامل قانون عادلانه را ندارد. به اعتقاد یهودیان، نجات دهنده انسانی است همانند دیگران که از سوی خدا مأمور انجام وظیفه خاصی شده است. تلمود در هیچ جا به این اعتقاد که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق انسانی باشد، اشاره نمی کند، بلکه او را انسانی می داند که برخوردار از جبروت خدایی است و جهان را با نور خویش روشن خواهد کرد.

در اشعیا نبی می گوید: «برخیز و درخشان شو؛ زیرا نور تو آمده و جلال خداوند بر تو طالع



گردیده است» (اشعیا، ۱۳: ۷).

به اعتقاد مسیحیان نیز «مسیح بار دیگر می‌آید برای کسانی که منتظر او می‌باشند و او ظاهر خواهد شد به جهت نجات» (عبرانیان، ۲۸: ۹):

در حقیقت شنیده‌ایم که مسیح نجات‌دهنده عالم است (یوحنا، ۴: ۴۲).

### - فرود آمدن یکی از انبیاء از آسمان در زمان ظهور موعود

در هر سه دین آمده که قبل، حین و بعد از ظهور منجی موعود یکی از انبیاء الهی از آسمان به زمین فرود خواهد آمد. در متون منابع اسلامی آمده که حضرت عیسی (علیه‌السلام) برای اتمام حجّیت برای ادیان بنی اسرائیل و گرایش آنان به اسلام از آسمان خواهد آمد و پشت سر امام زمان (عج‌الله تعالی فرجه الشریف) نماز بر پا می‌دارد و بدین ترتیب، مسیحیان زیادی و نیز بخشی از یهودیان به آن حضرت (عج‌الله تعالی فرجه الشریف) مؤمن خواهند شد.

### - نقش حضرت عیسی (علیه‌السلام) در زمان ظهور منجی موعود

حضرت مسیح (علیه‌السلام) نقش مهمی در زمان ظهور مهدی موعود و هدایت بشریت به سوی حق و اسلام دارد. برای همین هدف بزرگ، حکمت و لطف خداوند چنین اقتضا کرده است که او به آسمان برده شود تا هنگام فرود خود به زمین هدایت و دستگیری این انبوه مردم آسان شود و پذیرفتنی نیست که حضرت مسیح در بازگشت مجدّد خود به زمین این همه نقش داشته باشد، ولی قبل از صعود به آسمان اصلاً از آن ذکری به میان نیاورده باشد. (ر.ک: الهاشمی، ترجمه احتشامی‌نیا، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۲۱۹)

### - زمان ظهور، مخفی است

یکی دیگر از نقاط مشترک هر سه مکتب این است که برای ظهور منجی وقت خاصی مشخص نشده است. عدم تعیین وقت خاص برای همیشه مشعل امید را پُر فروغ و نورانی نگه می‌دارد و مردم هیچ عصری از آمدن منجی مایوس نمی‌شوند. اصولاً وقت ظهور منجی را کسی جز خدا نمی‌داند و از مصادیق علم غیب به شمار می‌آید.



در مورد زمان ظهور در یهودیت نیز عقاید بسیاری وجود دارد؛ جمعی از یهودیان با تعیین زمان، وعده ظهور دادند، اما عدم تحقق این وعده‌ها موجب سرخوردگی و بحران در جامعه شد و بعد از آن، علمای یهود تعیین زمان ظهور را منع کردند. تلمود کسانی را که به محاسبه دقیق زمان ظهور ماشیح می پردازد، مورد لعن قرار داده است و تنها تشویق به انتظار را توصیه می کند. حضرت عیسی (علیه السلام) به طور مکرر در کتاب مقدس اشاره می کند که زمان ظهور مشخص نیست و هیچ کس غیر از خداوند آن را نمی داند، اما هیچ کس از آن روز و ساعت اطلاعی ندارد، حتی ملائکه آسمان جز پدر من. (ر.ک: انجیل متی، ۳۶: ۲۴)، پس بیدار باشید؛ زیرا که آن روز و ساعت را نمی دانید.

در حوزه تفکر اسلامی نیز به وضوح این نکته بیان شده که زمان ظهور مخفی است و هیچ کس از آن اطلاعی ندارد. در روایات زیادی نیز «توقیت» (تعیین وقت برای ظهور منجی موعود) رد شده است، اما این ابهام و نامعلوم بودن، نباید مایه دل سردی منتظران منجی باشد. امر فرج ناگهانی است و هر آن باید منتظر او بود. امام باقر (علیه السلام)، در پاسخ به این سؤال که آیا ظهور وقت مشخصی دارد، فرمود: کسانی که وقت تعیین می کنند، دروغ می گویند. (نعمانی، ۱۴۲۲ ق: ص ۳۰۵)

امام رضا (علیه السلام)، از پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) نقل می کند:

«زمان قیام موعود مانند قیامت است که کسی جز خداوند آن را نمی داند و فرا نمی رسد، مگر ناگهانی و نیز پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمود: مهدی ما کارش در یک شب به سامان می رسد» (اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۶۰)

## ۲. نقاط افتراق سه دین بزرگ یهود، مسیحیت و اسلام در اعتقاد به منجی

به نظر می رسد تفاوت های موعودباوری در ادیان، کاملاً مهم و انکارناپذیر است، در پرتو تبیین همین وجوه تمایز و نقاط تفاوت موعودباوری ها، این حقیقت آشکار می گردد که این تمایزات و تفاوت ها چندان جوهری نیست؛ به عبارت دیگر، نقاط اشتراک میان مصادیق مختلف اندیشه



منجی موعود در ادیان از اهمیت جوهری تری نسبت به وجوه تمایز میان آنها برخوردار است. در این مقاله به دلیل محدودیت حجم مطالب تنها به چند نکته از مهم ترین تفاوتها اشاره می شود. یکی از مهم ترین جنبه های گونه گونی اندیشه موعود در ادیان اسلام، یهود و مسیحیت مربوط است به ماهیت موعود که به بررسی آن می پردازیم:

### - ماهیت منجی موعود در اسلام

منجی موعود در اسلام و مذهب تشیع از قوی ترین مصادیق این اندیشه در جهان ادیان است و شیعه دوازده امامی از اهمیت و گستره بیشتری برخوردار است. منجی موعود در مذهب شیعه از لحاظ ماهوی «شخصی» و شخصی «متعین» است (در برخی ادیان منجی موعود به صورت انسانی خاص با مشخصات فردی منحصر به فرد است. به گونه ای که نام پدر، مادر، حسب و نسب، حتی زمان و مکان تولد وی را معلوم کردند. اینگونه موعودها را می توان متعین یا خاص یا موعود شخصی نامید) (موحدیان عطار، ۱۳۸۸، چاپ اول، ص ۲۰)

او فردی است با تبار قریشی، از نسل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) (کورانی، ج ۵، ح ۸۱) از فرزندان علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) و از فرزندان حسین (علیه السلام) و همنام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آخرین امام در سلسله ای امامان شیعه و «خاتم الأوصیاء» (آخرین وصی و امام) است.

او فرزند امام عسکری (علیه السلام) است. نرجس مادر حضرت مهدی (علیه السلام) است. او دختر یسوع و فرزند قیصر پادشاه روم است که از اولاد حواریون بود و به شمعون وصی حضرت مسیح (علیه السلام) منسوب است. (یداله پور، بهار ۱۳۹۳، مقاله ۲، دوره ۵، شماره ۱۴، صفحه ۶۶)

### - ماهیت منجی موعود در آیین مسیحیت

موعود مسیحی، شخصی و متعین می باشد؛ یعنی بنا بر اعتقاد مسیحیت، منجی موعود یک نفر خاص بوده است و چنین نیست که هر کس بتواند منجی باشد و لو شرایط برایش فراهم شود. منجی موعود مسیحیان فردی است به نام عیسی (علیه السلام) که فرزند مریم است و از این طریق،



نسل او به داوود پیامبر متصل می شود. درباره عیسی داستان واحدی وجود ندارد و هر یک از اناجیل نظر متفاوتی درباره او دارند، اما با مطالعه همه آنها می توان داستان واحدی ابداع کرد.

### -القاب و اسماء حضرت عیسی (علیه السلام)

القاب و اسماء حضرت مسیح (علیه السلام) را نیز در اناجیل مورد بررسی قرار می دهیم که هر کدام جنبه هایی از رسالت آن حضرت را بیان می کند.

عیسی؛ منجی موعود مسیحیان را در ابتدا یسوع (یهوشع، یسوع) می نامیدند که واژه ای عبری و به معنای نجات خداست. این کلمه را رومیان و یونانیان به «یسوع» تبدیل کردند و همین واژه در زبان عربی «عیسی» شد. (توفیقی، ۱۳۸۴: ص ۱۳۰)

انجیل این واژه را «خداوند نجات دهنده» معنا کرده است که امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید. (انجیل متی ۲۱: ۱)

پسرانسان؛ کتاب دانیال از پسر انسان نام می برد و او را به عنوان شخصیتی مطرح می کند که قبل از تنگی واپسین روز خواهد آمد و خدا داوری و پادشاهی را به او خواهد سپرد (میشل، ۱۳۸۱: ص ۶۹)

پسر خدا؛ در عهد جدید دو نوع مسیح شناسی وجود دارد (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۶۶). در یک بخش مسیح، انسان، پیامبر خدا، بنده ی خدا و پسر انسان است و اگر هم به او پسر خدا اطلاق می شود، به معنای بنده مقرب و برگزیده خداست: یعنی با یک عیسی بشری روبه رو هستیم. در بخش دیگر، او خود خدا، خالق آسمان و زمین و پسر خداست، به این معنا که هم ذات با خداست که جسم گرفته و میان انسان ها ساکن شده است؛ یعنی یک «عیسی خدایی» را تصور می کند. مسیح؛ مسیح را می توان نام دوم عیسی دانست (میشل، ۱۳۸۱: ص ۷).

انجیل چهارم پر از لفظ مسیح از کلمه عبری «ماشیاخ» به مفهوم تدهین شده است. در دین یهود افراد را به جهت مأموریت های مهم مذهبی با روغن مخصوص مسح می کردند. پس ایشان از ویژگی های خاصی برخوردار بوده اند و در میان مردم، افرادی مقدس و محترم شناخته می شدند (ر.ک: زیبایی نژاد، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۱۸).



منجی؛ از دیگر القاب حضرت عیسی (علیه السلام) در انجیل، نجات بخش و نجات دهنده می باشد، چنان که در انجیل لوقا آمده است: «امروزه برای شما در شهر داوود نجات دهنده ای که مسیح خداوند باشد، متولد شد» (لوقا، ۱۱: ۲)

### – ماهیت منجی موعود در آیین یهود

ماهیت موعود در آیین یهود، ماشیح نام دارد و همه دانشمندان یهود ماشیح را انسانی می دانند که خداوند او را برای وظیفه ای ویژه مأمور کرده است. هیچ گاه تلمود به ناجی یا فوق انسانی بودن ماشیح اشاره ای ندارد. ماشیح از نسل پادشاه داوود خواهد بود.

عده ای معتقدند که موعود یهود همان منجی شیعه است، چرا که یهودیان معتقدند ماشیح از بنی اسرائیل است، در حالی که مادر مهدی موعود نیز دختر پسر قیصر روم و مادرش از فرزندان شمعون است که بدین وسیله می توان گفت بر موعود شیعه مطابقت دارد.

در عین حال، از بعضی از سخنانی که در کتب یهود بیان گردیده، مفسران همان موعود شیعه را درمی یابند، از جمله آنچه در مزمور ۲۷ در کتاب زبور بیان شده است و به نظر پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) می باشد:

«ای خدا! شرع و احکام خود را ملک و عدالت را به ملک زاده عطا فرما تا اینکه قوم کتو را به

عدالت و فقرای او را به انصاف حکم نماید، به قوم کوهها سلامت و کویرها عدالت برساند و ...»

پس منجی موعود شیعه، تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که آخر الزمان را از هر گونه بی عدالتی و نابرابری پیراسته می سازد، مطرح نیست، بلکه او در زمین و در کنار پیروانش زیست می کند، با مشکلات آنان آشنا و همراه است و در زمانی که از او مدد خواهی کنند، کمکشان می کند. مهدی اسلام انسان معین است که در کنار ما با تمام وجودش زندگی می کند و برای ما در همه این دردها و عنصرها و آتش تاخت و تازهای ستمگران و سوز و گداز دردمندان می سوزد. او در جامعه با مردمان زندگی می کند و با آنان سخن می گوید و ایشان را ارشاد می کند، اما به ناگزیر تا هنگام مقرر ناشناخته باقی می ماند (ر.ک: شفیع سروستانی ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۲) این موضوع را می توان به عنوان یکی از مهم ترین تفاوت های موعود ادیان با موعود اسلام به شمار آورد.





همچنین یکی از دیگر نقاط افتراق دربارهٔ ویژگی‌های اندیشهٔ موعود در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام است که در این بخش به بررسی آن پرداخته می‌شود.

آنچه مسلم است اینکه اصل اندیشه منجی موعود و موعودگرایی در اکثر ادیان وجود دارد. اما تفاوت عمده‌ای در یهود نسبت به اسلام و مسیحیت وجود دارد و آن تفاوت این است که تقریباً هیچ دینی وابستگی تاریخی و مکانی به نقطهٔ خاصی ندارد. دین اسلام و مسیحیت آزادانه در فضای زمانی و مکانی جهان پیش می‌روند، ولی دین یهود یک خصوصیتی دارد که تقریباً در هیچ دین دیگری نیست و آن وابستگی زمانی و مکانی است. این دین از لحاظ مکانی به شدت به سرزمین اسرائیل و بیت المقدس وابسته است و از لحاظ زمانی هم به همان دوران حضور در اسرائیل و حکومت در آن وابسته است. در دیگر ادیان اینگونه نیست که آنها چیزی را از دست داده باشند که نیاز به بازگشت به آن داشته باشند. یک یهود در هر نقطه‌ای از جهان باشد، خودش را تبعید می‌داند. تبعیدی دو هزارساله که در این دو هزار سال هر روز سه بار دعا می‌کند که به آن دوران طلایی برگردد. این مسأله نقطهٔ اصلی اعتقادات یهود است.

یهود اگر همهٔ شرعیات را کنار بگذارد، این باور را نمی‌تواند کنار بگذارد، چون ریشهٔ امید به آمدن یک منجی که آن دوران را بازسازی کند، با اصل یهودیت عجین شده است و یهودی که به این اصل معتقد نباشد، یهودی نیست. از این رو، ایمان به ماشیح یا حدّاق در نظر داشتن ماشیح یک عنصر یهودی است. اما آنچه را که می‌توان به عنوان تفاوت آشکاری میان اندیشهٔ مهدویت در نزد اسلام و این اندیشه به صورت خاص در میان سایر ملل و اقوام مشاهده کرد، این است که این اندیشه در نزد شیعیان یک اندیشهٔ جهانی و نوعی فلسفهٔ جهانی است. به این معنا که مهدی در اندیشهٔ اسلامی، اختصاصی به امت خاصی ندارد. قیام و دعوت او قیام و دعوتی جهانی است و نه قومی و قبیله‌ای و نژادی. او برای نجات بشریت می‌آید و نه برای سروری دادن نژاد و قوم خاص. او یاور مظلومان است و هدف او ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری است؛ به تعبیر شهید مطهری نباید این اندیشهٔ بلند و جهانی را به شکل یک آرزوی کودکانه و قومی و قبیله‌ای ترسیم کرده، آن را تا سطح فردی که می‌آید به قصد انتقام‌گیری و کینه‌توزی پایین کشانید:



«گویی حضرت حجت فقط انتظار دارند که کی خداوند تبارک و تعالی به ایشان اجازه بدهند که مثلاً ببینند ما مردم ایران را غرق در سعادت کنند یا شیعه را غرق در سعادت کنند، آن هم شیعه‌ای که ما هستیم که شیعه نیستیم» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۸، ص ۱۸۰ - ۱۸۱)

چنین تصویر و تفسیری از مهدویت بسیار شبیه تفسیر یهودیت از منجی موعود است. توضیح آنکه موعود پایانی یهودیان کسی است که می‌خواهد قوم یهود را نجات دهد و آنان را از سختی و فلاکت برهاند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت بار و پر از رنج و سختی خود، همواره به امید ظهور «مسیح» همه انواع تحقیر و شکنجه را تحمل کرده‌اند. آنان معتقدند که در آخرالزمان منجی و موعودشان خواهد آمد و آنان را از ذلت و درد و رنج رها خواهد ساخت و قوم یهود را فرمانروای جهان خواهد کرد. (کرنیستون، ترجمه: حسین توفیقی، ص ۷۶)



## نتیجه بحث

انتظار برای ظهور منجی عقیده‌ای عمومی و مشترک است که اختصاص به یک قوم و ملت و دین ندارد و ادیان و مذاهب گوناگون عموماً ظهور او را خبر داده‌اند آنچه در این پژوهش مورد نظر می‌باشد این است که موارد همانند یا مشترک ادیان کنار هم قرار گیرند و این نتیجه کلی به دست آید که اندیشه نجات‌بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد و نظامی همسان با دستورهای خداوند خواهد ساخت، در همه ادیان وجود دارد؛ اما اینکه این موعود کیست، چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد، از جمله مسائل مورد اختلاف می‌باشد. آنچه مشترک است این است که نجات‌دهنده آخرالزمان از خاندان نبوت و دارای همه صفات پسندیده است.



## منابع و مأخذ

\*قرآن کریم

۱. ابن ماجه، محمد، مسئفی انب ماجه، بیروت، نشر دارالامیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۲
۲. اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه مهدی حائری قزوینی، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۷
۳. بحرانی، هاشم حسین، سیمای حضرت مهدی در قرآن، مترجم سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، نشر آفاق، بی تا
۴. بی ناس، جان، تاریخ ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، انتشارات علمی فرهنگی، بی جا، ۱۳۸۲
۵. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ تهران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۶. زیبایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت شناسی مقایسه‌ای، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
۷. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، قم، انتشارات کتاب طه، ۱۳۸۶، چاپ اول، ج ۱
۸. سیوطی، جلال الدین، الحاوی للفتاوی، درالکتب المعید، بیروت، ۱۴۰۳ ق
۹. شاکری زواردهی، روح الله، منجی در ادیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، قم، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۷
۱۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم، انتظار بایدها و نبایدها، انتشارات موعود عصر، تهران، ۱۳۸۷.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر حز الامام الثاني عشر، تهران، مشورات مکیه الصدر، بی تا
۱۲. صدوق، محمدبن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲
۱۳. طبرسی نور، حسین، نجم الثاقب، انتشارات آستان قدس، قم، صاحب الزمان، ۱۴۱۲ ق
۱۴. طوسی، محمدبن حسن، الغیبه، قم، موسسه المعارف اسلامی، بی تا



۱۵. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدي عند اهل السنه، مكتبة الإمام أمير المؤمنين علي (ع) العامة، اصفهان، ۱۴۰۲ ق
۱۶. کامل سلیمان، روزگار رهایی، مترجم علی اکبر مهدی پور، نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶
۱۷. کرنیستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه: حسین توفیقی، بی جا، انتشارات مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷، چاپ اول
۱۸. کهن، ابراهام، کتاب خدا، جهان انسان، ماسیح در آموزه های یهود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، بی جا، انتشارات المعی، ۱۳۸۲
۱۹. کورانی، علی، معجم الأحادیث الإمام المهدي، نشر مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ترجمه ابوالحسن مولوی همدانی، انتشارات مسجد ولی عصر، تهران، ۱۳۶۴
۲۱. مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷
۲۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷
۲۳. مفید، حمد بن محمد، ارشاد، بی جا، دارکتب اسلامیه، ۱۳۷۷
۲۴. مقدس شافعی، یوسف، عقدالدرفی الاخبار المنتظر، قاهره، نشر نصاب، ۱۳۹۹ ق
۲۵. مهدی پور، علی اکبر، او خواهد آمد، قم، مؤسسه انتشارات رسالت، بی تا
۲۶. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، انتشارات مرکز ادیان، ۱۳۸۱
۲۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، قم، انوارالمهدی، ۱۴۲۲ ق
۲۸. الهاشمی، باسَم، منجی به روایت اسلام و مسیحیت، ترجمه محسن احتشامی نیا، تهران، انتشارات آفاق، ۱۳۸۶
۲۹. یداله پور، محمد هادی، موعودگرایی در قرآن و عهدین، نشریه سراج منیر، مقاله ۲، دوره ۵، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۳
۳۰. یزدی حائری، علی بن زین العابدین، الزام الناصب، قم، مکتب الرضا، ۱۳۶۲

